**ناگهانی و تصادفی بود که به‌نوعی بازاندیشی در ساختار سیاسی مجال داد تا آرایش جدید انتخاباتی شکل بگیرد؟**

بله. بنده بر این باورم که اصولاً رویدادهای غیرمترقبه در همه حوزه‌ها می‌توانند فرصت‌هایی برای بازاندیشی و تغییر ایجاد کنند. اتفاقاً در سال‌های اخیر در بحث‌های خود همواره بر این نکته تاکید کرده‌ام که با توجه به انباشت و تراکم بحران‌ها ازیک‌سو و چسبندگی ساختارها و وابستگی به مسیر در گرایش‌ها و سیاست‌ها در میان نیروهای سیاسی به‌ویژه نیروهای حاکم، امید چندانی به بازاندیشی و ابتکار عمل چندانی از سوی متولیان امور و دیگر نیروهای سیاسی و برای برون‌رفت از این وضعیت نیست و فقط باید به رویدادهای غیرمترقبه چشم دوخت. چنین رویدادهایی با ایجاد گسست و وقفه در روندها، رویه‌ها و عادت‌واره‌های موجود امکان بازاندیشی و تغییر را فراهم می‌کند. اتفاقاً به‌دنبال حادثه‌ای که به آن اشاره کردید این گمانه در ذهن بنده شکل گرفت که این رویداد شاید یکی از همان فرصت‌ها به‌ویژه برای گروه حاکم باشد.

**چرا این وضعیت در انتخابات اسفندماه ۱۴۰۲ ظهور نیافت؟**

زیرا چنان رویداد گسست‌آفرینی رخ نداده بود. در آن زمان هنوز گروه حاکم همچون چندسال قبل بر این‌باور بود که می‌تواند به موازات کنترل اعتراضات با استفاده از یکدستی‌ای که در حکومت ایجاد شده، بر برخی از مهمترین بحران‌ها یعنی تهدیدهای خارجی و تنگناهای اقتصادی فائق آید. اما در این مورد دو نکته نادیده گرفته شده بود: یکی اینکه بحران‌های داخلی و خارجی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی چنان انباشته و درهم گره خورده‌اند که نمی‌توان به‌صورت بخشی مثلاً صرفاً از حوزه اقتصاد دست به اصلاح زد. اقتصاد ایران درگیر انباشتی از عقب‌ماندگی‌های منطقه‌ای و جهانی، ناهماهنگی‌های نهادی، تعارض منافع، فساد و خروج سرمایه‌ها و نیروهای متخصص و کارآمد است و درعین‌حال به‌شدت تحت تحریم خارجی است. چنین اقتصادی را چگونه می‌توان بدون آغازکردن تغییر در بخش‌های دیگر یعنی سیاست‌های داخلی، اجتماعی و سیاست خارجی نجات داد؟ نکته دوم این بود که گروه حاکم فراموش کرده بود یا تصور نمی‌کرد که استراتژی طرد و حذف سیاسی بخش بزرگی از نیروها و توانمندی‌های تکنوکراتیک و مدیریتی را از دست داده است و دولت یک‌دست حکایت آن دهقانی است که آن زمان که گندم داشت، آسیاب نداشت و حالا که آسیاب یافته است گندمش از دست رفته است! سطح تخصص و توانایی و حتی زبان و گفتار بسیاری از مقامات و مدیران دولت سیزدهم به روشنی این وضعیت پارادوکسیکال را نشان می‌داد. اما به‌نظر می‌رسد رویداد مورد اشاره تا حدودی فرصت بازاندیشی، اصلاح رویکرد و جهتگیری را ایجاد کرده باشد. بنده البته اطلاعاتی که اهداف واقعی گروه حاکم برای ایجاد آرایش فعلی انتخاباتی را روشن کند، ندارم اما شهود ناشی از عقل سلیم این احتمال را کم نمی‌دانم که تا حدودی چنین بازاندیشی‌ای صورت گرفته باشد. بنده همه آدمیان اعم از عوام و خواص را عقلانی (Rational) می‌دانم، اما عقلانیت‌ها در افراد و گروه‌های مختلف متفاوت است. هر گروه بسته به موقعیت، منافع، اولویت‌ها، آگاهی‌ها و شبکه ارتباطی‌اش عقلانیت (محاسبه هزینه و فایده) خاصی دارد. مثلاً عقلانیت اپوزیسیون با پوزیسیون تفاوت دارد. مسئله اصلی و اولویت اصلی گروه‌های حاکم و مسلط در هر جای جهان، تداوم موقعیت سیاسی و قدرت (استراتژی بقا یا سیاست بقا) است. براین اساس می‌توان بسیار محتمل دانست که با آشکار شدن برخی آثار و پیامدهای سیاست طرد، حذف و تمرکز بر یکدست‌سازی سیاسی، در مورد ادامه آن دچار تردید شده و درصدد است با چرخشی ملایم به بخش‌های میانه‌رو و تحول‌خواهان امکان حضور در عرصه سیاسی بدهد.

**با فرض پذیرش سخنان شما، سوالی اینجا پیش می‌آید: اگر آقای پزشکیان رأی نیاورد، چگونه آن ترمیم شکاف دولت و ملت یا شکاف میان متخصصان و دولت محقق خواهد شد؟ باز کاندیدای متفاوت شکست خورده است و همان الگوی ۱۴۰۰ تکرار خواهد شد. دراین‌میان انگار اتفاق خاصی نیفتاده و فقط یک انتخابات با مشارکت بیشتر داشته‌ایم. آیا فقط این عدد مشارکت است که اهمیت دارد؟**

نه من مسئله را پیچیده‌تر می‌بینم. من اصراری ندارم که بگویم پزشکیان به‌عنوان نماد اصلاح‌طلبان پذیرفته شده تا بخشی از توان تکنوکراتیک اصلاح‌طلبان را وارد سیستم کند. موضوع این است که این کار به‌هرحال باعث ورود اصلاح‌طلبان به عرصه سیاست شده و با توجه به هزینه‌های قبلی گروه حاکم برای حذف آن‌ها می‌تواند صرف انگیزه‌های مورد اشاره شما را با تردید مواجه کند. نباید فراموش کرد که عرصه سیاست مثل شطرنج است و فقط یک بازیگر نیست که روند و نتیجه بازی را تعیین می‌کند. ریسک این الگوی بازی قبلاً در انتخابات ۱۳۷۶ و ۱۳۹۲ خود را به محافظه‌کاران حاکم نشان داده است.

**پس سیستم تبعات این تایید صلاحیت را پذیرفته است؟**

شاید، شاید هم ناگزیر بوده و یا به برخی از تبعاتش فکر نکرده یا فکر کرده که می‌تواند بازی را تحت کنترل خود نگاه دارد. اطلاعی ندارم. به‌هرحال فرصتی دست داده تا نیرویی که در سیستم حاشیه‌ای شده و در جامعه هم پایگاهش به‌شدت تضعیف شده، دوباره وارد عرصه سیاسی شود. این فرصت برای این نیروپیدا شده که در شهرها ستاد بزند، اعضایش فعال بشوند و نمایندگانش در صداوسیما حرف بزنند. مهمتر از همه فرصتی پیدا کرده که نقاط قوت و ضعفش را در عرصه واقعی سیاسی و اجتماعی به آزمون بگذارد و با استفاده از تجربه‌های پیشین خود را به‌روزتر کند. این‌ها فرصت کمی برای یک نیروی سیاسی نیست و سیاست را اصلاً همین فرصت‌ها خلق می‌کنند. سیاست عرصه امکانیات است به‌خصوص رویدادهایی که گسست‌هایی در فرآیندها و روندها ایجاد می‌کنند باز به‌صورت مضاعف این امکانیات را ممکن می‌کنند. البته این امکانیات در عمل ارتباطی و در هماهنگی با جمع می‌تواند قدرت خلق کند. این انگاره را از آرنت و هابرماس وام می‌گیرم. آدمیان اگر کنش ارتباطی و گفت‌وگوی عقلانی داشته باشند خیلی از سوءتفاهم‌ها و اختلافات‌شان را می‌توانند حل کنند. الان این فضا ایجاد شده است. در تجربیات قبلی تاریخ سیاسی معاصر ایران بسیاری از نیروهای تحول‌خواه می‌کوشیدند این فرصت‌ها را به فضایی تخاصمی و حماسی تبدیل کنند. می‌گفتند آمده‌ایم که نیروهای حاکم را سر جای خود بنشانیم یا حذف کنیم و طرحی نو دراندازیم. این نوع گفتار سیاسی تجربه خود را پس داده. بحران‌های ایران آنقدر پیچیده است که راه‌حل‌های آن نزد این یا آن نیرو و گرایش سیاسی خاص نیست بلکه حضور، مشارکت و تعامل همه نیروهای سیاسی و اجتماعی را می‌طلبد. یک نکته بسیار مهم دیگر این است که در سیاست‌ورزی به‌ویژه در نظام‌های شبه‌دموکراتیک باید از ترساندن گروه‌های مسلط به‌شدت پرهیز کنند زیرا تجربه، به‌ویژه در دوره پس از انقلاب نشان داده ترساندن رقیب از دگرگونی‌های سریع و بنیادی ازسوی نیروهای تحول‌خواه همواره باعث حرکت این نیروها ابتدا به لاک دفاعی و سپس به موضع تهاجمی برای حذف چنین نیروهایی شده است. در این شرایط نیز لازم است اعتمادسازی و ترس‌زدایی از گروه‌های حاکم در اولویت گفتارهای کنش‌های سیاسی قرار گیرد. اتفاقاً این الگوی سیاست‌ورزی در این روزها از سوی کاندیدای اصلاح‌طلبان به روشنی دیده می‌شود. البته این الگوی ارتباط سیاسی را نباید به‌عنوان حرکتی تاکتیکی تلقی کرد، بلکه باید به‌عنوان یک استراتژی در دستور کار سیاست تحول‌خواهانه قرار داد. همانطور که پیشتر عرض کردم تنگناها و بحران‌هایی که جامعه ما در حال حاضر با آن روبه‌روست بیش از هر چیزی محصول الگوی تنازعی سیاست است که به استهلاک منابع در همه نیروهای سیاسی اعم از پوزیسیون و اپوزیسیون منجر شده است. در تاریخ معاصر ایران نشانه‌های چندانی از رویکردهای تعاملی و مصالحه‌جویانه در عرصه سیاست دیده نمی‌شود. نباید مصالحه و سازش را منفی تلقی کرد بلکه باید آن را در حوزه سیاست به‌عنوان هنر و فضیلت تلقی کرد. براین اساس در انتخابات جاری رویکرد و الگوی گفتاری کاندیدای اصلاح‌طلبان در فضای به‌شدت تخاصمی سیاست در ایران امروز می‌تواند شروع خوبی برای فرآیندی دانست که می‌توان آن را سیاست مصالحه‌گرایانه نامید.

**تنگناها و بحران‌هایی که جامعه ما درحال‌حاضر با آن روبه‌روست بیش از هر چیزی محصول الگوی تنازعی سیاست است که به استهلاک منابع در همه نیروهای سیاسی اعم از پوزیسیون و اپوزیسیون منجر شده است. در تاریخ معاصر ایران نشانه‌های چندانی از رویکردهای تعاملی و مصالحه‌جویانه در عرصه سیاست دیده نمی‌شود. نباید مصالحه و سازش را منفی تلقی کرد بلکه باید آن را در حوزه سیاست به‌عنوان هنر و فضیلت تلقی کرد**

**گویا در مباحث مربوط به گذار به دموکراسی نیز چنین رویکردی مطرح است.**

بله، در میان الگوها و راهبردهای گوناگونی که در ادبیات گذار به دموکراسی مطرح است این الگو از جمله کم‌هزینه‌ترین و پایدارترین الگوها و راهبردهاست. طبق این مباحث، آن نیروهای سیاسی (پوزیسیون و اپوزیسیون) که مدت‌های مدیدی با هم درآویخته و جنگیده‌اند و هیچ‌کدام هم نتوانسته‌اند دیگری را حذف کنند، ممکن است در شرایط خاصی به این نتیجه برسند که هر دو فقط انرژی خود را هدر داده‌اند و دستاوردی هم نداشته‌اند؛ پس بهتر است به مصالحه روی آورند و بر سر یک الگوی منصفانه و کارآمد دموکراتیک توافق کنند. جامعه سیاسی ما نیز می‌تواند این الگو و راهبرد را تجربه کند. لازمه این کار این است که نیروهای درگیر در منازعه و تخاصم بر مزیت‌های این کار آگاه باشند و فرصت‌های مناسب را دریابند. این آگاهی به دست نمی‌آید جز اینکه این گونه بحث‌ها در فضاهای عمومی مطرح شود و اتفاقاً فضاهای انتخاباتی می‌تواند فرصتی برای تمرین و ممارستی برای این الگو و راهبرد باشد.

**شخصیتی مثل آقای لاریجانی برای پیشبرد این پروژه که نیازمند گفت‌وگوی طرف‌های سیاسی است شاید مناسب به نظر برسد، اما اینجا احتمالاً همان ترس و سیاست بقایی که گفتید سیستم را بدین نتیجه رسانده است که این مسیر را با نیروهایی که کمتر شاخص هستند، طی کند. با این تحلیل موافقید؟**

بله این تحلیل می‌تواند به فهم وضعیت فعلی و فرصت‌شناسی نیروهای سیاسی کمک کند. اصولاً مصالحه در میانه‌های طیف نیروهای سیاسی متعارض و درگیر، ممکن و متعارف است. نیروهای میانه می‌توانند نقش‌های پیشگامانه‌تر و مؤثرتری در این راهبرد ایفا کنند. البته این بدان معنا نیست که نیروهای دیگر اثر ندارند. رادیکالیسم، اعتراض، جنبش اجتماعی و گاه انقلاب سیاسی هم در عرصه سیاست پدیده‌های رایجی هستند که به نوبه خود می‌توانند به تغییرات سیاسی کمک کنند. اما نباید فراموش کرد که صرف اعتراضات یا جنبش‌های اجتماعی به تغییر سیاسی منجر نمی‌شود، بلکه این پدیده‌ها می‌توانند ضرورت تغییر نشان دهند و برای انجام تغییرات و اصلاحات فشار بیاورند اما اصلاح و تغییر پایدار سیاسی نیازمند حضور و تلاش نیروهای سیاسی برای ایجاد اجماع یا توافق برای عملیاتی کردن اصلاحات در قالب کنش‌های نهادمند است. البته انقلاب‌های سیاسی معمولاً ابتدا نهادهای مستقر را در هم می‌شکنند و سپس در پی تاسیس نهادهای جدید برمی‌آیند. اما این تاسیس کار ساده و کم‌هزینه‌ای نیست. تجربیات تاریخی نشان می‌دهد که الگوهای سیاست‌ورزی در انقلاب‌ها معمولاً از نوع تخاصمی و تقابلی هستند و نظام‌های برآمده از انقلاب‌ها نیز از مجرای منازعات و خشونت‌های شدیدی سربرمی‌آورند و نوعاً نیز چندان دموکراتیک نیستند. علاوه بر همه این‌ها انقلابات پدیده‌های نادری هستند که کمتر «برپا می‌شوند» و بیشتر «رخ می‌دهند» آن هم در شرایط بسیار خاصی که مجموعه پیچیده‌ای از شرایط و عوامل متعدد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و همچنین شرایط خاص بین‌المللی که نه در اثر یک پروژه کاملاً آگاهانه و محاسبه‌شده بلکه در اثر یک فرایند هم‌افزا و کم و بیش طولانی. متاسفانه برخی از گروه‌های اجتماعی و سیاسی ساده‌انگار تصور می‌کنند که صرف نارضایتی و اعتراض هرچند وسیع و شدید برای فروپاشی یک نظام و جایگزین کردن یک نظام دیگر کفایت می‌کند. حتی اگر سقوط یک نظام بنا به علل و عواملی رخ دهد لزوماً به تاسیس نظام با ثبات جدیدی، خواه دموکراتیک و خواه غیردموکراتیک منجر نخواهد شد. به هرحال آنقدر عوامل، اتفاقات و اقتران‌ها باید دست‌به‌دست هم بدهند تا انقلابی روی دهد و آنقدر شرایط خاص سیاسی، ایدئولوژیک، اجتماعی، فرهنگی و شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی وجود داشته باشد تا تاسیس و تثبیت نظام جدید ممکن شود که خود موضوع کتاب‌ها و مقالات مستقلی است.

**اگر چینش فعلی را در نظر بگیریم کدام‌یک از کاندیداها بهتر می‌توانند وضعیت مطلوب میانه‌روانه‌ای را که شما شرط گذار دموکراتیک می‌دانید، محقق کنند؟**

در لابه‌لای صحبت‌های قبلی تقریباً تصریح کردم که کاندیدای فعلی اصلاح‌طلبان از بسیاری از شاخص‌های مورد نیاز برای این کار برخوردار است: میانه‌روی، تجربه رویکرد تعاملی در دوره سیاست‌ورزی خود و امکان نمایندگی بخش بزرگی از نیروهای اجتماعی و سیاسی منتقد و معترض به وضع موجود (البته به شرط گرم‌شدن فضای انتخابات و آب‌شدن یخ ناامیدی و انفعال برخی از گروه‌های اجتماعی و...) از جمله این شرایط است اما این هنوز فقط بخشی از شرایط لازم است. باید نشانه‌های آشکاری از نیت و اراده نیروهای حاکم نیز آشکار شود. همچنین نه‌فقط دولت احتمالی او بلکه عقبه‌ها، حامیان سیاسی و دیگر نیروهای سیاسی نیز باید در راستای چنین الگو و راهبردی حرکت کنند. البته به‌نظر بنده حتی اگر او برنده نهایی این انتخابات هم نباشد، باز فرصتی ایجاد شده برای رفع سوءتفاهم‌ها و نشان‌دادن امکان‌ها برای همگرایی سیاسی که این امر در سال‌های موسوم به اصلاحات چندان ایجاد نشد. آنجا بیشتر نیروهای سیاسی فعال فاقد تجربه بودند و فضای سیاسی مملو از هیجان‌ها، آرمان‌ها، ایده‌ها و تخیلات بود. امروزه اما به‌نظر می‌رسد که آن هیجانات و تخیل‌ها تا حدود زیادی از میان این بخش از تحول‌خواهان رخت بر بسته و ایده‌ها نیز در برخورد با سخره‌های سخت واقعیت بازاندیشی شده‌اند، بنابراین به‌تعبیر هگل، امکانیت تحقق بیشتری دارند.

**سازمان ثبت و اسناد املاک کشور - اداره کل ثبت اسناد و املاک استان قزوین**
شناسه آگهی: ۱۷۳۲۵۰۰
**اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین**
**هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی**
**آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی**
برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۹۰۰۱۰۰۱۲۷۳ کلاسه ۱۴۰۲۱۱۴۴۰۹۰۰۱۰۰۰۰۰۲۵ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای مهدی کاظمی به شناسنامه شماره ۱۲۰۹ کد ملی ۴۳۲۲۱۴۴۷۳۱ صادره فرزند حسین در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۵۹۱۶/۴۸ مترمربع پلاک شماره ۲۴ فرعی از ۵۴ اصلی واقع در اراضی روستای تراتن قزوین بخش ۱۴ حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین خریداری از مالک رسمی (سند مالکیت مشاعی کاداستری به شماره چاپی ۶۰۹۹۳۹ سری ج سال ۱۴۰۰) محرز گردیده است.
لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۰۳/۲۹ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۰۴/۱۳
**شعبان عسگری - رئیس ثبت اسناد و املاک**

**سازمان ثبت اسناد و املاک کشور - حوزه ثبت ملک شهرری**
م الف: ۲۹۴
**آگهی فقدان سند مالکیت**
متقاضی منصوره شعبان مالک رسمی به آدرس: شهرری، خیابان شیر محمدی، کوچه علیایی، پلاک ۱۴، ۱۶ و ۱۸
با تسلیم دو برگ استشهاد مصدق به شماره ۸۱۳۶ مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۱۷ دفترخانه ۶۵ ری به شرح وارده ۲۴۰۰۸۸۴۴ مورخ ۱۴۰۳/۳/۱۹ اعلام نموده که شش‌دانگ یک قطعه آپارتمان مسکونی نوع ملک طلق یا به پلاک ثبتی ۵۸۵۶ فرعی از ۱۶۲ اصلی، مفروز و مجزاشده از ۵۱۵۵ فرعی از اصلی مذکور ۷۲/۷۱ مترمربع به مالکیت: منصوره/ شعبان فرزند حسین شماره شناسنامه ۱۰۱۶۲ تاریخ تولد ۱۳۳۱/۱۱/۱۲ صادره ازری دارای شماره ملی ۰۴۹۰۱۰۱۵۳۴ با جز سهم ۶ از کل سهم ۶ به‌عنوان مالک شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۵۴۶۹ تاریخ ۱۳۹۶/۰۷/۰۵ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۶۵ شهر شهرری استان تهران، چاپی ۸۸۱۳۲۹ الکترونیک ۱۳۹۶۰۵۳۰۱۰۲۴۰۰۴۹۴۰ ثبت گردیده است و برابر گواهی دفتر املاک در رهن نمی‌باشد به علت جابه‌جایی منزل مقود گردیده و تقاضای صدور المثنی سند مالکیت نموده است.
لذا طبق ماده ۱۲۰ آئین‌نامه قانون ثبت مراتب در یک نوبت آگهی می‌شود تا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله‌ای کرده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می‌باشد باید تا ده روز پس از انتشار آگهی به این اداره مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراضی نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود اداره ثبت المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد.
گیرندگان رونوشت: ۱- جهت اطلاع به ستاد اجرایی فرمان حضرت امام(ره) - ۲- اداره کل تحقیق و استرداد بنیاد مستضعفان
**سیدمهدی لامعی - رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهرری - از طرف سهراب عزیزنژاد**

**سازمان ثبت اسناد و املاک کشور - حوزه ثبت ملک کرج - ناحیه یک**
**آگهی فقدان سند مالکیت**
آقای فرشید آزاد برابر وکالتنامه شماره ۵۲۵۴۳ مورخ ۱۳۹۷/۴/۲ وکالتنامه شماره ۴۶۸۳۳ مورخ ۱۳۹۵/۱۲/۱۵ دفتر ۶۳ کرج از طرف مالک خانم مریم لشنی ضمن تسلیم دو برگ استشهادیه تصدیق‌شده اعلام نموده است که سند مالکیت شش‌دانگ یک قطعه زمین قطعه ۵۶ تفکیکی به مساحت ۸۳/۷۶ مترمربع به شماره پلاک ۹۲۶ فرعی از ۱۵۵ اصلی مفروز و مجزی‌شده از پلاک ۴۴۲ فرعی از اصلی مذکور واقع در اراضی حوزه ثبتی شهرستان کرج به‌نام مالک ثبت و سند به شماره چاپی ۲۴۰۵۷۹ و دفتر الکترونیکی به شماره ۱۳۹۵۲۰۳۳۱۰۰۹۰۲۳۰۳۱ صادر و تسلیم شد که سند مالکیت به علت سهل‌انگاری مفقود گردیده است. لذا تقاضای صدور سند مالکیت نموده است. لذا مراتب به استناد تبصره یک اصلاحی به ماده ۱۲۰ آئین‌نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می‌شود تا چنانچه کسی مدعی وجود سند مالکیت نزد خود و یا انجام معامله نسبت به ملک مذکور باشد از تاریخ این آگهی ظرف مدت ده روز اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت به این اداره تسلیم تا وفق مقررات عمل گردد. بدیهی است چنانچه ظرف مدت مقرر اعتراضی واصل نشود و یا در صورت اعتراض اصل سند ارائه نگردد، سند مالکیت المثنی طبق مقررات به متقاضی تسلیم خواهد شد.
شناسه آگهی: ۱۷۳۶۴۱۱
**مسلم مرزآرا - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک - کرج - از طرف عیسی شاهدی پاپکیاده**

نگاه تحلیلگر

# روسیه و کاندیداتوری پزشکیان

**صلاح‌الدین هرسنی**
کارشناس و تحلیلگر سیاسی

مسلماً اگر شعار سر در وزارت امور خارجه مبنا و معیار عمل تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران وزارت امور خارجه باشد، نباید شرق و غرب جایگاهی در مناسبات خارجی ما داشته باشند. اما در عمل، از آن شعار «نه شرقی و نه غربی» در روزگاران اخیر «آشنایی‌زدایی» شده و شرق‌ستایی فزاینده نظیر همگرایی با روسیه و چین جای غرب‌ستیزی را گرفته و رابطه‌ای نامتوازن را برای ما در سیاست خارجی در قبال این دو بلوک دامن زده است. در واقع، می‌توان گفت که روابط ما با شرق به‌ویژه روسیه به‌گونه‌ای درآمده که به‌هیچ‌وجه با شعار نه شرقی و نه غربی منطبق نیست و هزاران فرسنگ از اصل «بی‌طرفی» با شرق فاصله گرفته و دشمنی ستیزنده و بی‌امان با غرب، جای وابستگی به شرق به‌ویژه روسیه را گرفته است. همان کشوری که سوابق رفتار و عملکردش در رابطه با ما پر از عهدشکنی و خیانت بوده است و به نظر نیز نمی‌رسد که زنجیره این خیانت‌ها به واسطه تداوم و استمرار «راهبرد نگاه به شرق» قطع شود. از عهدنامه‌های ترکمنچای و گلستان، به توپ بستن حرم مطهر رضوی، پروژه هسته‌ای بوشهر، باج و سهم‌خواهی ایران در برجام و زدن دقیقه نودی زیر میز مذاکره در وین، رفتارهای اهانت‌آمیز لوان جاگاریان، سفیر روسیه در تهران، بالا بردن هزینه ایران بابت ورود ایران به جنگ اوکراین، دست‌درازی روسیه به دریای خزر و تشکیک در مالکیت ایران بر جزایر خلیج‌فارس، همگی از چهره فرصت‌طلبانه و خائنانه و همچنین نگاه ابزارگرایانه روسیه در مواجهه با ایران پرده برمی‌دارد و متاسفانه تصمیم‌سازان دستگاه دیپلماسی این دست از رفتارها را مثبت ارزیابی کرده و سخت معتقدند که رابطه آنها با روسیه نه راه کنشی بلکه راهبردی و استراتژیک است.

در جدیدترین سناریو، روسیه در اقدامی شتابزده و مغایر با عرف دیپلماتیک و به دلایل نامعلوم، توافق جامع ایران و روسیه را تعلیق و دلیل آن را مشکلات داخلی مقامات ایران دانست. این اقدام روسیه با کاندیداتوری و نامزدی مسعود پزشکیان، نامزد مورد حمایت اصلاح‌طلبان برای انتخابات هشتم تیر ریاست‌جمهوری، همزمان شده است. از منظر نشانه‌شناسی، همزمانی این اقدام روسیه با نامزدی پزشکیان ضمن درست بودن راه اصلاحات در ترسیم سیاست‌های خارجی، حاوی این پیام است که روسیه با پیروزی نامزدهایی از جنس پزشکیان موافقتی ندارد و به طریق اولی، خواهان آن است که یک رئیس جمهوری ضعیف و پرحاشیه و بدون آنکه درک درستی از منافع ملی داشته باشد، به پاستور راه یابد. چراکه اساساً رئیس‌جمهورهایی از جنس پزشکیان به واسطه دانش آکادمیک و درک و فهم درست از مناسبات جاری در مناسبات بین‌المللی خواهان رابطه متوازن با کشورها در نظام بین‌الملل هستند و از سر ضرورت اجازه نخواهند داد که کشورهایی چون روسیه و حتی چین صحنه‌گردان و فعال مایشاء در روابط خارجی باشند.

چنین نقشه راهی در زمان رئیس‌جمهوری سیدمحمد خاتمی زیر دکترین و ایده «گفتگوی تمدن‌ها» و همچنین در دولت روحانی تحت ایده «تعامل سازنده» به نمایش درآمده بود که تا میزانی، قرین توفیق و با نتایج مطلوب راهبردی همراه بود.

تحت این شرایط، روسیه هراس دارد که با حضور احتمالی پزشکیان در پاستور، راهبرد تنش‌زدایی با غرب و سایر همسایگان و برقراری روابط متوازن مبتنی بر منافع ملی در دستور کار دستگاه سیاست خارجی و دیپلماسی قرار گیرد و این در حالی است که روسیه خواهان یک روابط پایدار، سازنده، بی‌تنش و عادی ایران با غرب نیست و این روابط سازنده ایران با غرب را به زیان خود می‌بیند.

در واقع، دلیل اصلی خشم و نارضایتی روسیه از کاندیداتوری و محتملاً پیروزی پزشکیان در راهیابی به پاستور در همین ازسرگیری روابط با غرب همانند دولت اصلاحات و دولت تدبیر و امید به واسطه اتخاذ راهبرد تعاملی و چندجانبه پزشکیان در روابط و مناسبات خارجی است. آنگونه که روسیه به واسطه تعلیق توافق جامع ایران و روسیه یا همان پروژه جدید «ایران‌آزاری» برای چندمین بار دُم خروسش را به نمایش گذاشته، مبین آن است که روسیه برنامه‌های خود را در ایران با حضور احتمالی پزشکیان در پاستور بربادرفته می‌بیند و به این نتیجه رسیده که رئیس‌جمهوری از جنس پزشکیان اجازه نخواهد داد که خواب مقامات کرملین و در رأس همه آنها ولادیمیر پوتین، برای نقش‌آفرینی در مناسبات سیاسی و روابط خارجی وضعیت حاضر ایران، تعبیر خوشی داشته باشد.